انشاء طولی در تقویم جهانی و تقویم محلی؛ شب و روز قطبی

(16:22)

ببینید با این مسیری که به اینجا رسیدیم، دستمان باز است تا از ادله اثباتیه بفهمیم احکام طولی انشائی که صورت گرفته برای کجا است؛ موضع آن را کشف کنیم. شما می‌گویید الآن رؤیت هلال شد، اهلال هلال که شد، نسبت به این ساعت جهانی چیست؟ می‌گوییم یک میزانی بیاورید. هر که می‌خواهد میزانش را بگوید. وقت غروب را اول قرار بدهید، یا زوال را قرار بدهید. مرحوم مجلسی هم فرمودند هر کدام از اینها هم یک فوائدی دارد. غروب یک فوائدی دارد و یک مضیقه هایی دارد. زوال یک مضیقه هایی دارد و یک فوائدی دارد. نوعاً فوائد زوال بیشتر است، مرحوم مجلسی فرمودند، لذا هَیَوَیین و اهل تخصص میلشان این است که زوال را مبدء قرار بدهند. زمان ما نه زوال را گرفته‌اند، نه طلوع و نه غروب، نصف ِشب را میزان گرفته‌اند. همین نصف ِشب هم در بحارالانوار بود که عده‌ای دیگر از اهل تخصص نیمه شب را میزان قرار داده بودند. خلاصه سر و کار ما با بیست و چهار ساعت است.

البته برخی برای نیمه شب در بعضی از کتابها ادله و روایاتی آورده‌اند؛ می‌گویند: ببینید در روایات برای نیمه اول شب، تعبیری عشیّه می‌کند، برای نصف بعدی، شب می‌گوید. مثلاً لیلة الجمعه اصلش برای نصف شب به بعد است. اما عشیة الخمیس برای پنج شنبه شب است. اینها را آورده‌اند، حال سر برسد یا نه، اینها را گفته اند. از این جور حرفها هم زده شده است.

بنابراین ما تابع چه چیزی هستیم؟ می‌خواهیم چه کار کنیم؟ ما می‌خواهیم بگوییم وقتی روز شد، رؤیت هلال که شد، ماه داخل شده است. الآن وقت غروب است، فردا را روزه می‌گیریم. یا قبل از زوالت است، روزه بگیر. چرا؟ چون استقرار احکام برای آن است. اما آن توحید ساعت و زوال واحد چه فائده ای داشت؟ برای این بود که در بسیاری از جاها دست ما از آن شب و روز کوتاه می‌شود. آن جا آنها دوباره زنده است. معنای این نیست که ما بخواهیم در آن جا خلاف واضحات بگوییم که روزه بگیر یا نگیر. برچسب زنی ای که ما داریم، در واقعیتش همه احکام خودش را به‌خوبی سر می رساند و تعارض هم برداشته می‌شود.

شاگرد: آن موضعی که دوباره به‌روز جهانی نیاز پیدا می‌کنیم را دوباره توضیح بدهید.

استاد: ببینید الآن روز جهانی یک شنبه است. در این نصف النهار جهانی نیم ساعت بعد از ظهر اهلال هلال می‌شود، قبلش نداشتیم. شما می‌توانید بگویید این روز که برچسبش یک شنبه است، اول ماه مبارک است؟! نه، خلاف فرض است. نمی‌توانید بگویید.

شاگرد: فرمودید یک جایی می‌رسد که دیگر زوال به کار نمی‌آید، آن وقت سراغ ساعت جهانی می‌رویم.

استاد: بله، در مستمسک جلد هشتم، صفحه چهارصد و هفتاد و نه، مرحوم سید در همین بحث رؤیت هلال خودمان، بعد از اینکه فروعات مسائل رؤیت هلال را فرمودند، به مسأله دهم رسیدند که آخرین مسأله است، بعدش دیگر وارد احکام قضاء میشود. سید فرموده اند:

> **(مسألة ١٠) : إذا فرض كون المكلف في المكان الذي نهاره ستة أشهر وليله ستة أشهر , وأ نهاره ثلاثة وليله ستة , وأ نحو ذلك , فال يبعد كون المدار في صومه وصلاته على البلدان المتعارفة المتوسطة, مخيراً بين أفراد المتوسط. وأما احتمال سقوط تكليفهما عنه فبعيد. كاحتمال سقوط الصوم , وكون الواجب صلاة يوم واحد وليلة واحدة. ويحتمل كون المدار بلدهالذي كان متوطناً فيه سابقاً إن كان له بلد سابق.[1]**

«إذا فرض كون المكلف في المكان الذي نهاره ستة أشهر وليله ستة أشهر»؛ مکلف به جایی رفته که شش ماه شب و شش ماه روز است. **«وأ نهاره ثلاثة وليله ستة»؛** ظاهراً یعنی ثلاثة اشهر. دو سؤال خوب در اینجا هست. آنهایی که کار فقهی می کنند، یکی اینکه آیا مرحوم سید این فرع به ذهن شریف خودشان آمده که فرمودند؟ یا از یک کتاب فقهی گرفته اند؟ حاج آقا چندبار میفرمودند که فروعات عروه از چند کتاب گرفته شده است. از جواهر، مستند و شاید تذکره. از چند کتاب اسم میبردند که فروعات عروه از آنها است.

این فرعی که در اینجا هست را مرحوم سید از کتابهای فقهی دیگر گرفته اند؟ ماخذش کجا است. آسید محمد کاظم از آن جا آورده اند؟ سؤال دوم این است: این فرض را از کجا آورده اند؟ خصوص این فرض که به جایی برسیم که روز سه ماه است و شب شش ماه است؟ خیلی از محشین عروه گفته اند اینکه فرض ندارد. چه فرضی است ایشان میگویند؟

شاگرد: سه ماه دیگر به چه صورت است؟

استاد: من نمیدانم.

شاگرد۲: شبهای نقره ای میگویند. نه روز است و نه شب است. نه آفتاب دارند و نه هوا تاریک است. حالت شفق های قطبی است.

استاد: بله، ظاهراً به الموسوعة الفقهية آدرس داده بودند. آن جا گفته بود: اقوالی در اینجا هست؛ اگر به جایی آمدیم که شش ماه روز بود و شش ماه شب، بعد همینطور گفته بود یک هفته شب بود و بقیه اش روز بود. این جور هم بود. مثلاً دو روز شب بود و بقیه اش روز بود. در الموسوعه این جور هم آمده بود که برخی در کتب قدیمی آورده بودند. من نمیدانم اینجا منظورشان چیست. دو روز شب بود و بقیه اش روز بود. یا یک هفته شب بود یا یک هفته متصل روز بود. نمیدانم باید بیشتر روی اینها تأمل کنیم.

برای ما یک نعمتی بود؛ بزرگانی از اهل فضل و علم برای ما گفتند و در اوائل طلبگی اینها را خواندیم. تشریح الافلاک در حوزه ها کتاب درسی بوده است. از کارهایی که شبه کرامت برای مرحوم شیخ بهائی است، این است که یک علم مفصل را ایشان در چند صفحه میکند. هر کسی این را بخواند گویا کل آن علم را بلد است. تشریح الافلاک شیخ بهائی ده صفحه است. کل هیئت را ایشان در ده صفحه، آورده اند و خلاصه کرده اند. خب اگر این در حوزه ها خوانده میشد خیلی خوب بود. الآن، هم درس و بحثش برقرار باشد و تکرار بشود و بخصوص در زمان ما که میتوان به صورت

تطبیقی کار کرد.

ببینید مرحوم شیخ فرمودند ما روی کره زمین شش نوع افق داریم. این افقی که الآن مرحوم سید مطرح کردند افق رَحَوی است؛ رَحی، سنگ آسیاب است. سنگ آسیاب به این صورت می‌گردد. افق آن جا رحوی است. خب اگر رحوی باشد، خب فرمودند «نهاره ثلاثة»؛ که قشنگ خورشید طلوع کرده است. «ولیله ستة»؛ بقیه اش هم روزهای بینابینی است. افق رَحَوی این است: ما که در نیم کره شمالی هستیم، وقتی در اول فروردین روی نقطه قطب باایستیم، خورشید دارد روی افق حقیقی قطب دور می‌زند. یعنی با فاصله نود درجه از سمت الراس کسی که در قطب ایستاده است. شما بروید در قطب باایستید، سر و پای شما محور قطب شمال و جنوب می‌شود. شما که آن جا ایستاده‌ای، تا استوا نود درجه فاصله دارید. الآن هم خورشید روی استوا است. یعنی در اول فروردین روی نقطه اعتدال ربیعی است. این جور دور می‌زند. پس شما که در قطب هستید، خورشید روی افق حقیقی شما در نود درجه دور می‌زند. نه اینکه بالا و پایین برود. از فردا که دوم فروردین و سوم فروردین است، دارد بالا می‌رود. چه زمانی به افق تُرُسی می‌رسد؟ چه زمانی به افق حسّی می‌رسد؟ اینها محاسبه دارد.

اینکه می‌گویند شش ماه شب و شش ماه روز است، نه یعنی آنجا که بروید خورشید را می‌بینید. بله، شش ماه شب یعنی شش ماهی که خورشید زیر استوا است. شش ماه روز یعنی آن شش ماهی که از اول فروردین تا پایان شهریور، خورشید بالای استوا است. منظور این است. اما افق آن جایی که شما هستید، چطور دیده می‌شود باید محاسبه کنید. ولی علی ای حال اگر تمام سال در قطب باشید، افق رَحَوی است. یعنی خورشید هیچ وقت بالا نمی‌آید، دائم دارد دور می‌زند.

شاگرد: در فیلم‌هایی که هست خورشید بالا و پایین می‌چرخد.

استاد: نه، آن برای درجه و عرض مثلاً ًستین است. نه برای عرض تسعین.

شاگرد: در عرض ستین باید شب داشته باشد ولی اینجا همیشه بالای افق است ولی بالا و پایین می‌چرخد. یعنی حرکتش دندانه‌ای است.

استاد: شما نمودار خطی آن را می‌گویید.

شاگرد: من فیلم‌های آن را خدمت شما عرض کردم. خورشید نزدیک خط افق می‌آید و دوباره بالا می‌رود.

استاد: اینها برای مدار شصت و هفت درجه است. آن جا مماس می‌شود و ... . آنها برای قطب نیست. اگر دقیقاً ًبه نقطه قطب بروید، بالا و پایین نمی‌شود. افق شش نوع است. فیلمی که شما دیدی برای بیرون از نقطه قطب است. آن هم نه اینکه همینطور خورشید بالا و پایین برود. این جور نیست. خورشید دور می‌زند و در دور زدنش پایین می‌آید و به افق مماسّ می‌شود، دوباره برمی‌گردد و بالا می‌رود و دوباره بر می‌گردد و با افق مماسّ می‌شود. حمائلی می‌گردد. شما که در فیلم می‌بینید، می‌بینید بالا و پایین می‌آید. فیلم کل داره شبانه‌روز را باز می‌کند. شما می‌گویید بالا رفت و پایین آمد. خورشید که بالا و پایین نمی‌رود. این جور دور می‌زند.

شاگرد۲: به نظر این جور است که عکس های هر ساعت مشخص را کنار هم گذاشته‌اند.

شاگرد: نه بیست و چهار ساعت را پشت سر هم فیلم می‌گیرد.

استاد: ببینید آن جایی که خورشید پایین می‌آید، و آن جایی که بالا می‌رود و دوباره پایین می‌آید، بین اینها سیصد و شصت درجه فاصله است. یعنی آن جایی که خورشید پایین می‌آید با

آن جایی که دفعه قبل پایین آمد، سیصد و شصت درجه است. شما آن را باز کرده‌اید. نه اینکه همینطور در آسمان بورد. اصلاً این جور معنا ندارد. اما در قطب اینطور نیست؛ اگر دقیقاً روی نقطه قطب بایستید و قمه الراس شما قطب شمال باشد، خورشید دقیقاً رحوی است. یعنی هر چه باشد، می‌بینید صاف میرود. بله، با فاصله روزها، اگر کل شش ماه خورشید را در فیلم بیاوری می‌بینید دارد پایین میرود. از اول تیرماه پایین میرود. ای از اول فروردین می‌بینید بالا میآید. تا سی ام خرداد ماه همینطور بالا میآید. بعد یک روز در سال که انقلاب سیفی بود، یک دور میزند و دوباره برمیگردد.

حال اینکه ایشان فرمودند سه ماه روز است، ممکن است ناظر به همین افق حقیقی و ترسی بوده باشند، یعنی آن جایی که شش ماه شب است، خورشید زیر افق حقیقی قطب رفته است. لذا کاملاً شب است. آن سه ماهی که روز است، خورشید از افق حقیقی به قدری بالاتر رفته که در منظر دید ما است و به افق ترسی رسیده است. لذا طلوع کرده و روز است. آن فاصله سه ماه چیست؟ ولی این با محاسبه جور در نمیآید. چون اگر از استواء و اعتدال حساب کنید، در این سه ماه بخشی بالا میآید؛ مثلاً فرض بگیری آخر فروردین ای دهم اردیبهشت بیرون آمده است؛ سه ماه که نشده است. اگر مقداری پایین بگیری، از افق حقیقی پایین تر است.

شاگرد: یعنی یک و نیم ماه و یک و نیم ماه نمی‌شود؟ گفته سه ماه وسط این و شش ماه آن. یک و نیم ماه و یک و نیم ماه هم وسط باشد.

استاد: یعنی عرض خورشید وقتی ده درجه است، ده درجه شمالی به اضافه ده درجه جنوبی، سه ماهش را حساب کنید. بگویید در این سه ماه نه روز است و نه شب است! باید خورشید زیر افق حقیقی باشد و باز هم نورش بتابد و بگوییم شب نیست. لازمه‌اش این است. علی ای حال سید این فرض را از کجا آوردند، نمیدانم.

شاگرد۲: این مثال میشود برای جایی که دستمان نیست.

شاگرد: دیروز مثال سفینه‌ها را هم فرمودید.

استاد: بله، الآن ببینید مرحوم سید چه میفرمایند. ما وارد نمازش نمیشویم چون مفصل است. فعلاً آن بخشی از عبارت سید را میخوانم که به بحث ما مربوط است.

«فلا يبعد كون المدار في صومه وصلاته على البلدان المتعارفة المتوسطة»؛ او باید روزه بگیرد اما به اندازه شبانه‌روز بلدانی که دوازده ساعت شب دارند و دوازده ساعت روز دارند.

شاگرد: شما میخواهید در متوسطه تبدیلش کنید و یکی بشود؟

استاد: من میخواهم عرض کنم در اینجا برای روزه چه کنیم؟ اصلاً ماه مبارک داریم یا نداریم؟ در حاشیه‌ها نگاه کنید، خیلی ها میگویند آنجا اصلاً ماه مبارک نداریم. چرا؟ چون ماه مبارک شب میخواهد و روز میخواهد. روزه گرفتن میخواهد. وقتی کل آن روز است یا شب است، «وَكُلُوا۟ وَٱشْرَبُوا۟ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَكُمُ ٱلْخَيْطُ ٱلْأَبْيَضُ مِنَ ٱلْخَيْطِ ٱلْأَسْوَدِ مِنَ ٱلْفَجْرِ ۖ ثُمَّ أَتِمُّوا۟ ٱلصِّيَامَ إِلَى ٱلَّيْلِ» [2] اینجا اصلاً تکلیف ندارید. سید میگویند این بعید است. فرمودهاند «مخیرا بین الافراد المتوسط»؛ مخیر هست یا نه.

شاگرد: شما فرمودید «مخیرا بین الافراد المتوسطه» یعنی دوازده دوازده، ولی ایشان نمیخواهند این را بگویند. یعنی مناطقی را فرض گرفته‌اند. لازم نیست دوازده دوازده باشد.

استاد: بله، من مثال زدم.

شاگرد: معیار توسط چیست؟

استاد: الآن فرض بگیرید در شهر مقدس قم هستیم. فرض بگیرید یکی از بلادی است که مخیر هستیم. او که آن جا است اگر زمستان قم است، روز ما حدوداً نه ساعت می‌شود، او هم باید نه ساعت روزه بگیرد. اگر تابستان ما است، چهارده تا شانزده ساعت روزه می‌گیریم... .

شاگرد۲: دو مکلف می‌توانند دو شهر را انتخاب کنند؟ یکی بگوید من چهار صبح تا شش بعد از ظهر روزه می‌گیرم، دیگری بگوید من پنج صبح تا هفت بعد از ظهر را روزه می‌گیرم.

استاد: سید فرمودند «مخیر بین الافراد المتوسط». ایشان دارند یک نفر را می‌گویند.

شاگرد۲: می‌خواهم بگویم در اینجا ساعت حقیقی برای سحر و افطار داریم یا هر کسی برای خودش فرض کند و روزه بگیرد؟

استاد: آن چه که من عرض کردم، ضابطه دقیق و روشنی دارد. برای همین می‌گویم تا ببینیم فایده این بحث‌ها و مبادی و انشائات طولی همین است. اگر آن انشائات طولی را به شارع نسبت دادیم و با ادله اثباتیه سر رساندیم، اینجا می‌توانیم حرف بزنیم.

شاگرد: در یکی از تعلیقه ها بود که به افق مکه روزه بگیرند.

استاد: نه، افق مکه غیر از نصف النهار است. می‌گویند چند ساعت روزه بگیرد؟ یکی این است که بلدان متوسط مثل قم چقدر می‌گیرند. یکی هم این است که می‌گویند مکه را نگاه کن. الآن مکه چند ساعت روز دارند، تو هم همان را بگیر.

شاگرد: همان نصف النهار است؟

استاد: نه، اینکه نصف النهار مبدأ را در مکه فرض بگیریم و تقویم را منضبط کنیم، فرق دارد با اینکه بگوییم کدام بلدان متوسط را انتخاب کن. می‌گوییم چرا سراغ شهرهای مختلف بروی؟! می‌گوییم مخیری! شما برو ببین مکه و مدینه چند ساعت روزه می‌گیرند.

شاگرد: چرا به آن جا می‌رویم؟ چون در ارتکازشان یک چیزی هست که برایش محوریتی در نظر گرفته‌اند.

استاد: محوریت برای مقدار زمان روزش در نظر گرفته‌اند. نه اینکه شروع ساعت روز هم به آن‌ها مربوط می‌شود. دو تا بحث است. اگر بگویند ساعتمان هم با آن‌ها تطبیق می‌دهیم، نه صرف مقدار زمان روز را با افق مکه و مدینه همانگ کنیم، متفاوت است. حالا باید ببینیم صاحب تعلیقه در جاهای دیگر برای نصف النهار کل حرفی دارند یا ندارند. به صرف اینکه بگویند برای بلاد متوسطه به افق مکه و مدینه مراجعه کنید، ملازمه ندارد با اینکه بخواهیم نصف النهار واحدی هم تعیین کنیم.شاگرد1: ثمره اش اینجاست که مثلاً آن‌هایی که در قطب هستند ساعتشان مثلاً دو است ولی ساعت مکه هفت است...

---

[1] مستمسك العروة الوثقى- ط بيروت (نويسنده : الحكيم، السيد محسن جلد : ۸ صفحه : ۴۷۹

بازبینی #3
ایجاد شده 22 ژانویه 2026 14:05:43 توسط ... .
به روزرسانی شده 22 ژانویه 2026 15:55:31 توسط ... .